

دو رساله

تبصرة المؤمنین و قنوح المجاہدین

www.ketab.ir

تألیف حکیم عارف

میر محمد مؤمن بن میر محمد زمان حسینی تنکابنی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

ایمان امینی، انسیه یعقوبی، امیر حسین فکری

سرشناسه	حکیم مؤمن، محمد مؤمن، محمدزمان، قرن ۱۱ق.
عنوان قراردادی	تحفه الخیار، شرح
عنوان و نام پدیدآور	تبصرة المؤمنین و فتوح المجاهدین / تألیف میر محمد مؤمن بن میر محمد زمان حسینی، تنکابنی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات ایمان امینی، انسیه یعقوبی، امیر حسین فکری.
مشخصات نشر	تهران: میعاد اندیشه، ۱۳۰۰.
مشخصات ظاهری	۳۶۶ ص؛ نمونه (رنگی).
شابک	978-622-231-620-4
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر شرحی بر کتاب «تحفه الاحیاء» تألیف محمد طاهر بن محمد حسین قمی است.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۴۲] - ۲۴۵: همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	قمی، محمد طاهر بن محمد حسین، - ۱۰۹۸ق.، تحفه الخیار -- نقد و تفسیر
موضوع	تصوف -- دفاعیه‌ها
موضوع	Sufism -- Apologetic works
موضوع	تصوف -- رده‌ها
موضوع	Sufism -- Controversial literature
شناسه افزوده	امینی، ایمان، - ۱۳۶۰، مقدمه نویس، مصحح
شناسه افزوده	یعقوبی، انسیه، - ۱۳۶۲، مقدمه نویس، مصحح
شناسه افزوده	فکری، امیر حسین، - ۱۳۶۵، مقدمه نویس، مصحح
شناسه افزوده	قمی، محمد طاهر بن محمد حسین، - ۱۰۹۸ق.، تحفه الخیار، شرح
رده بندی کنگره	BPT95/T
رده بندی دیویی	۲۹۷/۸۶
شماره کتابشناسی ملی	۸۲۰۲۳۱۳
اطلاعات رگورد کتابشناسی	فیا



miasadpub.com

عنوان کتاب: تبصرة المؤمنین و فتوح المجاهدین

مولف: میر محمد مؤمن بن میر محمد زمان حسینی تنکابنی

تصحیح، مقدمه و تعلیقات: ایمان امینی، انسیه یعقوبی، امیر حسین فکری

ناشر: میعاد اندیشه

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۲۳۱ - ۶۲۰ - ۴

تلفن انتشارات: ۰۹۱۲۵۱۲۰۰۶۷ - ۰۲۱۶۶۰۱۷۴۴۸ - ۰۲۱۶۶۰۱۴۷۹۷

همه ی حقوق مادی و معنوی این اثر برای مصححین محفوظ است.

تکثیر و انتشار این اثر به هر صورت، از جمله باز نویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی

و ذخیره در سیستم های بازیابی و یخش، بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از مصححین

به هر شکلی ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد

فهرست مطالب

۱۱.....	پیش درآمد.....
۱۱.....	درآمد.....
۱۲.....	صوفی ستیزی در دو مرحله.....
۱۴.....	دوره اول.....
۱۷.....	دوره دوم.....
۲۰.....	گسترش تفکر اخباری در عهد صفویه.....
۲۴.....	سید محمد میرلوحی سبزواری.....
۲۵.....	آثار میرلوحی سبزواری.....
۲۵.....	کفایة المہتدی فی معرفۃ المہلای.....
۲۵.....	إدراء العاقلین و إخزاء المجانین.....
۲۶.....	مناظره سید و عالم.....
۲۶.....	زاد العقبی فی مناقب الائمة و الاوصیاء.....
۲۶.....	دیگر آثار.....
۲۹.....	ملّا محمد طاهر قمی.....
۳۱.....	آثار ملّا محمد طاهر قمی.....
۳۲.....	تألیفات ضد تصوف، حکمت و فلسفه.....
۳۳.....	رجم الشیاطین.....
۳۴.....	مونس الابرار.....
۳۴.....	رساله ردّ صوفیه.....
۳۵.....	تحفة الاختیار.....
۳۷.....	حکمة العارفین فی دفع شبهة المخالفین.....
۳۸.....	مفتاح العدالة.....



۳۸	القوائد الدينية فى الردّ على الحكماء و الصوفيه
۳۸	بهجة الدارين فى الجبر و التفويض و الامر بين الامرین
۳۹	كشف الاسرار
۳۹	چند اثر دیگر در ردّ تصوّف
۴۰	نصيحة الكرام و فضيحة اللثام
۴۲	دیگر آثار ملا محمد طاهر قمی
۴۲	تألیفات فقهی
۴۲	حجة الاسلام فى شرح تهذيب الاحكام
۴۳	مناسك حج
۴۳	اوزان الشريعة
۴۳	زکات
۴۳	رسالة فى صلاة الجمعة
۴۳	جاء الحق
۴۳	السلامية
۴۳	فرحة الدارين
۴۳	تألیفات كلامی و اعتقادی
۴۴	تحفه عباسی
۴۴	عطيه رباني و هديه سليمانی
۴۴	ایمان عطائی
۴۴	الاربعة فى امامة الائمة الطاهرين
۴۵	منهج النجاة
۴۵	حق اليقين فى معرفة اصول الدين
۴۵	تألیفات اخلاقی
۴۵	محبان خدا
۴۵	معالجة النفس
۴۵	مباحثة النفس
۴۶	ساير تألیفات

۴۶	 الاحادیث القدسیه
۴۶	 نور الایمان فی فضائل القرآن
۴۶	 دیوان اشعار
۴۷	 قصیده لامیه
۴۷	 اندیشه های ضد تصوف ملا محمد طاهر قمی
۵۴	 پاسخ های آخوند محمد تقی مجلسی
۵۸	 محمد مؤمن طیب تنکابنی
۶۲	 تبصره المؤمنین
۶۶	 فتوح المجاهدین فی رد المتدلسین
۶۷	 ملا محمد طاهر قمی از منظر فتوح تنکابنی
۷۲	 جمع و حاصل
۷۴	 منابع نگارش مقدمه
۸۳	 در باب تصحیح نسخ کهن
۸۶	 معرفی و توضیحات نسخ تبصره المؤمنین
۸۷	 معرفی و توضیحات نسخ فتوح المجاهدین
۸۸	 راهنمای شیوهی تصحیح و نحوهی خوانش زیرنویس ها
۹۳	 تبصره المؤمنین
۱۰۱	 فصل اول (در اثبات طریقت)
۱۲۲	 فصل دوم (در تحقیق ولایت و درجات ایمان)
۱۳۲	 فصل سیم (در تحقیق عشق)
۱۳۶	 فصل چهارم (در دلایل ذکر خفی و جلی، غنا، وجد، سماع و حال)
۱۵۶	 فصل پنجم (در بیان کشف و رؤیا، وحی، الهام و عروج)
۱۶۶	 فصل ششم (در وحدت وجود)
۱۷۰	 فصل هفتم (در بیان انوار و حُجُب)
۱۷۲	 فصل هشتم (در جواز چله)
۱۷۳	 فصل نهم (در بیان شطح و طامات)
۱۷۶	 فصل دهم (در بیان روح اعظم)

پیش در آمد

برآیند طبیعی بالاگرفتن منازعات میان متشرعین و صوفیان ایران، که از عهد صفوی شمای جدی‌تری به خود گرفت، شکل‌گیری سبک جدیدی از ادبیات التقاطی صوفیانه بود. در این نوع ادبیات از طرفی سعی در تطبیق آموزه‌های تصوف و تشیع به عمل آمد و از سویی دیگر تلاش شد که با لحنی جدلی به ردیه‌های عموماً تکفیری متشرعین اخباری پاسخ داده شده و با افشاگری درخصوص دنیاطلبی‌های علمای قشری، انگیزه‌ی آنان را از حمله به تصوف، دغدغه‌هایی غیر از دین‌داری نشان دهد.

در این میانه در کنار مکتوبات مهمی نظیر رسالهی *اسل ملاحظه* و پاسخ‌های محمدتقی مجلسی، کتاب *تحفه العشاق* تشریف قمی و *تجربه المؤمنین* تنکابنی بیش از بقیه به چشم می‌آیند. در نوشتار حاضر علاوه بر بازخوانی زمینه‌های این منازعات و بعضی اشخاص تأثیرگذار در این صحنه، به بررسی موردی دو اثر از همین متون جدلی صوفیانه یعنی *تجربه المؤمنین* و *فتوح المجاهدین* از محمد مؤمن طیب تنکابنی دست یازیده شده است.

در آمد

در بررسی موضوع نزاع و مجادلات میان متشرعین و متصوفه در سال‌های متأخر حکومت صفوی، برخلاف بررسی‌های متعدد و فراوانی که در آن‌ها به ردیه‌ها و نقدهای علیه تصوف پرداخته‌اند، به پاسخ‌ها و مکتوباتی که از سوی دلبستگان تصوف نگاشته شده، توجه کمتری شده است. این درحالیست که گستردگی هواداران دو طرف این نزاع با رجوع به انبوه مکتوبات ضد تصوف از سویی و برخی اسناد که حاوی فهرستی از صوفیان دوران حکومت صفویان است از سویی دیگر^۱، به خوبی آشکار می‌شود. در همین رابطه حتی

۱. بنگرید به: شاملو، ولیقلی بن داودقلی، *قصص الخاقانی*، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سید حسن سادات



ارزش منابع دست اول دوره صفوی هم به علت ماهیت خاصشان زیر سؤال می‌رود، چرا که مهم‌ترین منابع تحقیقی که همان متون رجالی آن دوران است^۱ تحت سیطره‌ی جو حاکم یعنی جریان فقها و متشرعین حکومتی و مشرب حاکم که علوم نقلی و مخصوصاً تفکر اخباری است، اولاً سعی در به تصویر کشیدن چهره‌ای قدسی، آسمانی و صاحب کرامت از رجال شاخص فقهی دوره صفویه می‌نمایند و ثانیاً بیشترین تأکید خود را به اشخاص و رجالی معطوف نموده‌اند که مورد پذیرش و علاقه‌ی این جریان قرار داشته است. به عنوان مثال یکی از بزرگترین اسناد رجالی بازمانده از دوران صفوی، کتاب *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* اثر افندی اصفهانی (م ۱۱۲۹ ق)، شرح حال زندگی ۲۴۱۲ نفر را در برمی‌گیرد که از این تعداد ۲۳۴۵ نفر از اصحاب علوم نقلی و مخصوصاً فقه می‌باشند و فقط ۶۷ نفر به مابقی علوم از جمله علوم عقلی تعلق آشکار دارند.^۲ مجموع این نوع نگاه و تألیفات یکسویه و عدم برخورداری از روحیه‌ی خود انتقادی و اصلاح طلبانه، که دستمایه تحقیقات تاریخ‌نگاران دوران معاصر درباره وضعیت مذهبی و فرهنگی حاکم بر دوره حکومت صفویه به طور اعم و وضعیت مسئله مورد بحث ما به طور خاص می‌باشد، سبب تشدید شائبه‌ی فوق‌الذکر می‌شود.

توجه به متون نگاشته شده از طرف حامیان تصوف از دو جنبه می‌تواند حائز اهمیت باشد:

اول: همانگونه که ردیه‌های متشرعان^۳ بسیاری از انحرافات و کج‌روی‌های جریان تاریخی و احیای تصوف را در آن زمانه برملا کرده و به نوعی قسمتی از آگاهی‌ها و مواد اولیه آسیب‌شناسی این جریان را به محققان رسانده است، اینگونه جوابیه‌های جفلی متصوفه نیز پرده از وجهی دیگر از ماهیت این منازعات از سوی متشرعین برداشته و گاهی نشانی از دل‌بستگی‌ها و خواسته‌های دنیایی آنان به دست داده است. دوم: مکتوبات سرسپردگان جریان تصوف در این دوره تلاش‌های جسته و گریخته‌ای است در جهت نشان دادن ربط و پیوند تشیع و تصوف.

صوفی‌ستیزی در دو مرحله

دولت صفوی به عنوان حکومتی ریشه‌دار در سنت صوفیانه و دارای پشتوانه‌ی حمایت صوفیان قزلباش

ناحری، ۱۳۷۴، ۲، جلد، صص ۱۸۳-۲۰۲.

۱. برای دست یافتن به لیستی از این متون بنگرید به: دهقان، مرضیه، «منابع رجالی دوره صفویه»، مجله تاریخ بیرومی، شماره ۳۶ و ۳۷، سال دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۸۷-۱۰۴.

۲. Turner, Colin: *Islam Without Allah? The rise of religious externalism in Safavid Iran*, London, 2000, pp:104-105.

۳. برای مشاهده‌ی فهرستی شامل ۱۴۳ عنوان ردیه که بر تصوف نوشته شده بنگرید به: خوشنویس، حمید، «معرفی ردیه‌های نگاشته شده بر تصوف»، مجله آینه پژوهش، شماره ۸۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، صص ۱۰۹-۱۱۸.

سرسپرده به خاقانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی وارد گود حکومت ایران گردید و در اوان حکومتش، خود را با تشیع همگون ساخت و سیاست تلفیق این دو را در پیش گرفت به طوری که دوران صفوی به نقطه‌ی اوج تلاقی تشیع و تصوف بدل گشت ولی اندک اندک حکومت صفوی، تحت نفوذ علمای عموماً مهاجر از دیار جبل عامل، در گذاری از تصوف شیعی به سمت تشیع فقهاتی، سعی در کنار زدن تصوف به عنوان بدعتی در دین نمود.^۱ گرچه از سویی دیگر علیرغم بعضی نظرات که حکومت صوفیانه‌ی صفوی را در تقابل با دیگر سلاسل صوفیان جلوه می‌دهند، بعضی گزارش‌ها این نگاه را، ولو در ابتدای شکل‌گیری حکومت صوفیان، رد می‌نماید؛ به عنوان مثال از ققرای سلسله‌ی نعمت‌اللّٰهیه شخصی به نام میر عبدالباقی یزدی به صدارت رسید (۹۱۷ ق). او که شیخ نعمت‌اللّٰهی بود در جنگ چالدران کشته شد (۹۲۰ ق)؛ یا شاه نعمت‌الله نانی (م ۹۵۰ ق) از سوی دربار، حکومت یزد را عهده‌دار شد. همچنین خاقانه نوریّه در شیراز که از آن سلسله‌ی نوربخشیه بود مورد توجه شاه اسماعیل واقع گشت و یکی از نوه‌های سید محمد نوربخش به نام شاه بهاء‌الدین ملازم شاه اسماعیل بود.^۲ اما همین حکومت پس از چند سال و در چرخشی پر از ابهام و معنا، چنان به ستیز با صوفیان روی آورد که حافظ حسین بن کربلایی (م ۹۹۷ ق) در مورد شاه اسماعیل می‌گوید: «اکثر سلاسل را از سادات و مشایخ بر هم زده، مستأصل و منقطع کردند».^۳ پس از آن عرصه چنان بر صوفیان سلاسل عبدالشعی تنگ گردید که در مهاجرت‌های وسیعی مشایخ سلاسل نظیر نعمت‌اللّٰهیه و نوربخشیه جلای وطن نموده و به کشورهای مجاور پناهنده شدند. همچنین «اکثر سلسله‌های صوفی مجبور شدند یا به هند مغولی یا ترکیه‌ی عثمانی بگریزند یا آن‌ها را بپنهان شوند. [صوفیان] نقشبندیه به شدت سرکوب گردیدند، صوفیان طریقه‌ی خلوتیه در سایه‌ی حمایت عثمانی به آناتولی رفتند، در سال ۹۰۹ قمری پس از قتل عام ۴۰۰ نفر، اسماعیل اول پیروان طریقت کازرونی را از فارس بیرون راند و از مقابر مشایخ صوفی آن منطقه هتک حرمت کرد».^۴ در همین راستا به قبر عبدالرحمان جامی در هرات بی‌حرمتی می‌شود و قوام‌الدین نواده‌ی سید محمد نوربخش پس از آن که به فرمان شاه طهماسب توسط مشعل ریش و سیلش را سوزاندند، در یکی از قلعه‌های معتبر زندانی و سپس اعدام می‌گردد (۹۴۴ ق). همچنین دستور قتل عام صوفیان قزوین توسط شاه اسماعیل دوم نیز در

۱. جعفریان، رسول، «مذهب شیعه در دوره صفوی چگونه رسمیت یافت؟»، مجله مهرنامه، شماره ۲۲، خرداد ۱۳۹۱، صص ۱۴۴-۱۴۵.

۲. حقیقت، عبدالرفیع، مکتب‌های عرفانی در دوران اسلامی، تهران انتشارات کوش، ۱۳۸۳، صص ۳۰۰-۳۰۵.

۳. کربلایی، حافظ حسین، روایات الجنان و جنات الجنان، به کوشش جعفر سلطانی القرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴. لویژن، لئونارد (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه‌ی مجتهدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۷۳.

تاریخ ثبت گردیده است. علی ای حال شاید بتوان گفت صفویه‌ی پا گرفته در سنت تصوف^۱ با اقدامات خود در دو دوره (دسته بندی براساس محتوای منازعات) به جنگ تصوف رفت:

دوره اول همزمان با سال‌های حکومت شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) می‌باشد. عمده این تلاش‌ها در مبارزه علیه نمادهای ظاهری و صوری مورد پسند صوفیان خصوصاً متصوفه اهل سنت، به علت تعصب وافر شاهان صفوی در منتسب نمودن خود به تشیع، است. با اختیاراتی که طهماسب اول به محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) واگذار نمود و همزمان با دراختیار گرفتن مناصب اداری، مذهبی و سیاسی توسط علمای شیعه جبل عامل^۲ و مجال یافتن دیدگاه‌های قهقی - شیعی، روح تازه‌ای به مبارزات علیه جریانات غالی و صوفیان دمیده شد.

از دیگر دلایل اوج‌گیری این منازعات می‌توان به احساس خطر شاهان صفوی از ازدیاد روزافزون قدرت صوفیان قزلباش، که با قدرت‌طلبی، دنیاخواهی و حتی اباحه‌گری از روح تصوف فاصله گرفته بودند، نام برد. اما تلاش‌های متشرعین در این دوره عمدتاً در حذف و مخدوش نمودن چهره اسطوره‌ای ابومسلم خراسانی^۳ و مبارزه با سنت‌های ابومسلم نامه خوانی^۴ و جنبندنامه‌ها متمرکز و، حتی شاید بتوان گفت، خلاصه می‌شود. چرا که طبق نظر برخی محققان معاصر، قسه‌گویان دوره‌گرد که به صوفیان اردبیل منسوب بودند تا پایان عهد صفوی با نقل قسه‌ی... ابومسلم، مردم را به اهداف نفوذت صفویه علاقه‌مند می‌داشتند و در عین حال عقاید صوفیه و غلات را که متضمن قول به حلول و اتحاد و تناسخ و مطهریت بود و از قدیم با قسه‌های ابومسلم و محمد حنفیه مربوط شده بود تبلیغ و تعلیم می‌کرد. این که فقها... لازم دیدند با طعن بر ابومسلم مروزی و نفی تشیع او، با تبلیغات صوفیه و با اقوال آن عده از علما که به خاطر تقویت اهداف سیاسی دولت صفوی تصوف

۱. برای کسب آگاهی‌های بیشتر درخصوص ریشه‌های صوفیانه صفویه بنگرید به: میرجعفری، حسین و دیگران، «اندیشه‌ی غالبانه در طریقت صفوی»، مجله فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۲۱، زمستان ۱۳۸۵، صص ۹۳-۱۱۶.

۲. برای کسب آگاهی‌های بیشتر درخصوص مهاجرت علمای جبل عامل به ایران بنگرید به: الهاجر، جعفر، الهجرة العالمية إلى ایران فی عصر الصفویه، بیروت، دارالروضة، ۱۴۱۰ ق. یا: فرهانی منفرد، مهدی، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفویه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۳. به‌عنوان نمونه‌ی این نوع آثار، درجهت مخدوش ساختن وجهه ابومسلم، می‌توان به رساله‌ی خطی خلاصه الفوائد و تلخیص آن با عنوان فوائد المؤمنین اثر عبدالمطلب بن یحیی طالقانی با شماره ثبت (۴۰۱۴) کتابخانه آیت‌الله مرعشی اشاره نمود.

۴. محجوب، محمدجعفر، «داستان‌های عامیانه فارسی، ابومسلم نامه»، مجله سخن، شماره ۳، سال دهم، خرداد ۱۳۳۸، صص

آنها را تأیید ضمنی یا صریح می‌کردند به مبارزه پردازند مبتنی بر همین نکته بود.^۱

به زعم این دسته از محققان، پادشاهان صفوی برای از بین بردن نفوذ مردمی صوفیان از فقها کمک خواستند.^۲ تا جایی که طبق نظر یکی از تاریخ‌پژوهان معاصر، علامه مجلسی آوردن محقق کرکی را در ردیف اقدامات صوفی‌زدایی شاه اسماعیل می‌داند.^۳ علیهذا در این راستا و مخصوصاً در زمان حکومت شاه طهماسب که «...رواج دین محمدی و رونق مذهب اثنی‌عشری در زمان سلطنت آن اعلیٰ حضرت به مرتبه‌ای رسید که زمان، مستعد آن شد که صاحب‌الامر لوای ظهور برافرازد»^۴ تألیف المطاعن المجرمه فی ردّ الصوفیه از محقق کرکی، که شاه طهماسب او را نائب‌الائمه المعصومین^۵ می‌خواند^۶ و او نیز شاه طهماسب را نائب خود، اولین کتابی است که دست به کار نقد تصوف شده است.

از کتاب مطاعن المجرمیه ی کرکی اثری به جا نمانده لیکن، فرزند محقق می‌گوید: «یدرم به نقل از نقات امامیه، در کتابش المطاعن المجرمیه، در ردّ حلاج اخبار زیادی آورده است.»^۷ میرلوحی سبزواری نیز در سلوة الشیعه از این کتاب یاد کرده است.^۸ البته در اینکه آیا در عنوان اصلی کتاب لفظ «فی ردّ الصوفیه» بوده است یا خیر، اختلاف می‌باشد و همین نکته باعث گردیده که این کتاب محقق را توان به صراحت ردّ بر صوفیه انگاشت؛ مضاف بر اینکه همه موازیدی که از این کتاب نقل گردیده به ابومسلم و ابومسلم‌نامه خوانی اشاره دارد.^۹ این نکته نیز

۱. زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، صص ۲۲۸-۲۲۹.

۲. التبیی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا دکاوتی قراگزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۳۹۵.

۳. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۵۱۶-۵۱۷.

۴. نویدی شیرازی، خواجه زین‌العابدین علی (عبدی بیگ)، تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹، صص ۲۹-۳۰.

۵. تا قبل از محقق کرکی لفظ نائب‌الامام تنها برای منصوبین مستقیم امام (عج) به‌کار می‌رفته است و گویا محقق کرکی و پس از او شهید ثانی اولین عالمان امامیه می‌باشند که از این واژه به عنوان معادل فقیه جامع‌الشرایط استفاده نموده‌اند.

۶. موسوی خوانساری، میر سید محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابروشی اسلامیه، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۱۶۷: «شاه طهماسب امور مملکتی را در اختیار محقق کرکی درآورد و توقع به کلیه شهرهای متصرف خود نوشت تا از فرمان او اطاعت کنند و بدانند که پایه و اساس مملکت و کشورداری به عهده اوست، زیرا او نایب امام است و امور محول به امام تحت نظر او قرار دارد». همچنین در ج ۴، ص ۳۶۱ می‌گوید: «معروف است که چون محقق ثانی (کرکی) در قزوین به دیدار شاه طهماسب رفت، شاه بدو گفت که تو از من به پادشاهی سزاوارتری؛ زیرا تو نایب‌الامام و من از عاملان تو؛ در اجرای امر و نهی تو آمادام».

۷. عاملی، شیخ حر، الاثناعشریه فی الرد علی الصوفیه، قم، انتشارات درودی، ۱۴۰۸، ق، ص ۵۱.

۸. میرلوحی، سید محمد، سلوة الشیعه و قوه الشریعه، نسخه شماره (۲۹/۴۳) کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی، برگ ۱۴۰.

۹. جعفریان، رسول، پیشین، ج ۲، ص ۵۲۱.

ناگفته نماند که بعضی تاریخ‌نگاران در مورد مقابله فقها با سنتِ ابومسلم‌نامه خوانی نظر میانه‌ای دارند: «این نکته پذیرفتنی است که کار ابومسلم‌نامه خوانی تا اندازه‌ای کار صوفیان بوده و آنان این قبیل داستان‌ها را در طول قرن هفتم تا نهم بازسازی می‌کرده و برای مردم می‌خواندند، اما به هر روی، ردیه‌نویسی بر ضد ابومسلم یا قصه‌خوانی، نمی‌تواند به صراحت ردّ بر صوفیه دانسته شود.»^۱

در مجموع در این دوره، به روشنی دوره‌ی بعد، نمی‌توان اندیشه‌های ضدّ تصوّف و عرفان را بخصوص با حضور اشخاصی که هم در فقاها و هم در گرایشات صوفیانه شهره گشته‌اند نظیر شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی^۲ (بدر شیخ بهایی)، سید حسین مجتهد کرکی^۳ (نوه‌ی محقق) و امیر معزالدین اصفهانی^۴ (شاگرد محقق) که به سرودن غزل‌های عارفانه دست می‌یازیده، مشاهده نمود؛ بلکه همانگونه که گفته آمد، بیشترین مقابله از طریق لعن به ابومسلم مروزی پیش می‌رفته است. چنان که مؤلف انیس المؤمنین (تألیف ۹۳۸ ق) بخشی از کتاب خود را به ابومسلم و طعنه بر او تخصیص داده و متن استفتاء از محقق کرکی و فتوای محقق را در مجاز دانستن لعن به ابومسلم آورده است.^۵

تحریف و دگرگون‌سازی چهره واقعی شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی (م ۷۳۵ ق) از دیگر اقدامات متشرعین در این دوره زمانی محسوب می‌شود. گویا تلاش بر این بوده است که تعلق نیاکان خاندان صفوی به تصوّف کم‌رنگ و در عوض از آنان و بخصوص شخص شیخ صفی‌الدین اردبیلی چهره‌ای متشرّع و فقیه ترسیم گردد. در همین راستا اینگونه تصویر شده است که شیخ صفی به علّت نفوذ و قدرت همه‌جانبه‌ی اهل سنت در امور کشور و جامعه از سر تقیه خود را به سلک صوفیان درآورده بود؛ به عنوان مثال رساله‌ای از میرزا ابوالفتح حسینی جرجانی (م ۹۷۶ ق) درباره‌ی تاریخ طریقه و سلسله صفویه قابل ذکر است که از سوی فقها مورد اقبال بوده است.^۶ این روند چنان در مکتوبات صوفی‌ستیزان بعدی پی گرفته شد که در سال‌های پایانی حکومت صفویان، تخصص شیخ صفی‌الدین

۱. همان.

۲. آندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم: کتابخانه آیتالله مرعشی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. قمی، قاضی احمد، خلاصه التواریخ، ج ۲، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۳۱۴.

۵. حموی، محمد بن اسحاق، انیس المؤمنین، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انتشارات واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۳، صص ۲۸۸-۲۸۹.

۶. اردبیلی، عبدالکریم محمد، صفوة الآثار فی اخبار الاخیار، چاپ میرهاشم محدث، ۱۳۷۵، در رسول جعفریان (گردآورنده)، میراث اسلامی ایران، ۱۰ جلد، قم: کتابخانه عمومی آیتالله مرعشی، ج ۳، ص ۲۱۰.

اردیلی در فقهات و حدیث و تفسیر تبدیل به قطعیتی خدشه‌ناپذیر گردیده بود.^۱

دوره دوم با حذف خشونت‌آمیز فقیه نامور میرعلاءالدین حسین مشهور به خلیفه سلطان (م ۱۰۶۴ ق)، مرگ شاه عباس اول و با سلطنت شاه صفی (۱۰۲۸-۱۰۵۲ ق) آغاز می‌شود. کم شدن اقتدار و نفوذ حکومت مرکزی در زمان زمامداری شاه سلیمان زمینه بسیار مناسبی، از لحاظ سیاسی - اجتماعی، برای رشد و نمو فزاینده‌ی منازعات میان صوفیان و فقها فراهم آورد.^۲ همچنین نباید از رغبت حکومت مرکزی در به وجود آوردن عمدی تفرقه بین مردم، مانند راه انداختن دعوای حیدری - نعمتی،^۳ جهت سوءاستفاده از این منازعات ساختگی غافل ماند. تفاوت عمده این دوره و مرحله قبل در کیفیت حملات است که عمدتاً به مبانی بنیادی و اعتقادی تصوّف همچون وحدت وجود، ولایت و سماع، در قالب توهین و تحقیر مشایخ سلف تصوّف و در رأس آنان حلاج و بایزید بسطامی و در حجم وسیع معطوف می‌شود؛ به نحوی که به یکباره بیش از بیست کتاب و رساله علیه تصوّف، البته با محتوا و اتهامات و ادعاهایی شبیه به هم، نگاشته می‌شود. این هجوم، در سال‌های بعد، تا آنجا پیش می‌رود که «علیقلی جدیدالاسلام»^۴، عالم کانادایی الاصل مسلمان شده‌ی عصر شاه سلطان حسین، ردّ صوفیه نوشته و کوشیده اثبات کند صوفیان همان نصاری هستند.^۵

نوبتید بودن این حجم منازعات و ایجاد شائبه‌ی ربط آن‌ها با قدرت سیاسی از آنجا به ذهن متبادر می‌شود که «در میان اهل سنت می‌توان آن قدیم آثار مستقلّی بر ضدّ تصوّف یافت، امّا در میان بزرگان شیعه تا دوره سلسله صفویه هیچ کتاب مستقلّی بر ضدّ تصوّف دیده نمی‌شود».^۶ دلایل عمده این مخالفت‌های فقها با جریان تصوّف را نشأت گرفته از آن دانسته‌اند که متشرّعین تلقی خود از اسلام را به صورت انحصاری درست دانسته‌اند یا اینکه متوجه بطن و لطایف متعالی مندرج در مضامین عرفانی

۱. برای نمونه بنگرید به: همان، صص ۲۰۱-۲۳۵.

۲. برای آگاهی بیشتر از کم‌رنگی اقتدار حکومت مرکزی در این مقطع بنگرید به: نصیری، محمدابراهیم بن زین‌العابدین، دستور شهریاران، به کوشش محمدنادر نصیری، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳، صص ۸۶.

۳. برای آگاهی بیشتر در این خصوص بنگرید به: میرجعفری، حسین، «منازعات نعمتی و حیدری در ایران»، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱، ۱۳۶۱.

۴. برای کسب آگاهی‌های بیشتر درخصوص این شخص و برخی دیگر از جدیدالاسلام‌ها بنگرید به: عظیم‌زاده، طاهره، «درآمدی بر رذیه‌نویسی دینی در عصر صفویه و دوران نخستین قاجاریه»، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۱، تابستان ۷۶، صص ۱۷۳-۱۹۷.

۵. جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره‌ی صفوی، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۰، ص ۲۲۴.

۶. یازوکی، شهرام، عرفان و هنر در دوره مدرن، تهران، نشر علم، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸.

نگشتند و یا اقبال مردم به عرفان را برنتابیدند.^۱

در هر صورت این روند با هجمی وسیع و گسترده‌ی خود، سبب خاموشی چراغ تصوف به نحو سنتی آن، زوال خانقاه‌ها و همزمان با آن، بروز و ظهور عرفای غیرصوفی یا به قولی غیروابسته به سلسله‌های صوفیانه گردید. همین افراد ضمن دفاع از شرع، در مقابل رفتارهای اباحه‌گرایانه صوفی‌نمایان، و برگزیدن روش‌های تلفیق اخلاق و عرفان و گاهی فلسفه به انتقاد از صوفیان بازاری پرداختند. این عرفای غیرصوفی، گرچه خود از انتقادات و حملات شدید فقها مصون نبودند، در جناحی دیگر، و به موازات متشرعین ولی با دغدغه‌ای متفاوت با آنان، به ستیزه با تصوف پرداختند «چنانکه رساله‌ی صدرالمتألهین به نام کسر احنام *الجاهلیه* نظر متألهین و اهل حکمت را در باب کسانی از اهل عصر که داعیه‌ی تصوف داشته‌اند و ظاهراً اکثر آنها می‌بایست از زمره‌ی کسانی که در تفحات *الانس* به نام متشبهه‌ی مبطل خوانده شده‌اند بوده باشند، نشان می‌دهد».^۲ همین متألهین در بعضی گزارش‌ها برای در امان ماندن از حکم تکفیر فقها در کنار گرایش به حکمت و فلسفه یونانی و مشایی، در علوم شرعی هم خوض می‌کردند و حتی بعضی از آنان شیخ الاسلام^۳ و مجتهد هم شدند؛ از این دست حکیمان می‌توان به آخوند مسیحای فسائی اشاره نمود که گویا *شفاء و الهیات اشارات* بوعلی را تدریس می‌نموده و فقط عنوان *شیخ الاسلامی* او مانع تعرض عوام و طلبه علیه او گردید.^۴ این رفتار، سرانجام به شکل‌گیری نسل جدید عارفانی برآنت جز از تصوف زمانه، که عمدتاً تمایلات زیادی به شریعت و فقه داشتند، منتج گردید. گویا با بررسی این دو جبهه‌ی ستیز علیه صوفیان است که برخی محققان معاصر هر دو گروه فقها و حکما را معارض تصوف دانسته‌اند.^۵

پس از آن، تیرنه نمودن بعضی از عالمانی که علاوه بر گرایشات عالمانه به تصوف نیز تمایل داشته‌اند به چشم می‌آید که به عنوان مثال ملا محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)، از شاگردان شیخ بهایی، که «اربعین‌ها ریاضت کشیده و با صوفیه هم ارتباطی داشته که صوفیه او را از خود می‌دانند و سلسله سند به او می‌رسانند»^۶ مورد تیرنه فراوان از تصوف قرار می‌گیرد تا آنجا که او را به خاطر کسب اخلاق و تهذیب باطن متهم شده به تصوف می‌دانند

۱. همان.

۲. زرین‌کوب، عبدالحسین، پیشین، ص ۳۲.

۳. برای کسب آگاهی‌های بیشتر درخصوص منصب شیخ الاسلامی در حکومت صفوی بنگرید به: آفاجری، سید هاشم، *مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۹، ص ۵۸۴.

۴. زرین‌کوب، عبدالحسین، پیشین، ص ۲۶۱ به نقل از تاریخ حزین، ص ۲۶.

۵. همان، ص ۳۲.

۶. گزی اصفهانی، عبدالکریم، *تذکره الثبر*، به کوشش باقری یدهندی، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۳۷۱، ص ۶۶.